

مورخ ۲۴ می ۱۹۱۲ در کنگره انجمن  
آزادی ادیان در فورد هال در بوستون :  
درباره اینکه دین باید سبب الفت محبت  
گردد و تشریح برخی دیگر از تعالیم دیانت

بهایی

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ ۲۴ می ۱۹۱۲ در کنگره انجمن آزادی ادیان

در فورد هال<sup>۱</sup> در بوستون :

درباره اینکه دین باید سبب الفت محبت گردد و تشریح

برخی دیگر از تعالیم دیانت بهایی<sup>۲</sup>

(خطابات جلد دوم، ص. ۸۶-۹۱)

ای طالبان حقیقت، ادیان الهیه به جهت محبت بین بشر نازل شده، به جهت الفت نازل شده، به جهت وحدت عالم انسانی نازل شده. ولی افسوس که صاحبان ادیان نور را بظلمت مخلوط کرده اند، هر یک هر پیغمبری را ضد دیگری می شمارند. مثلاً یهودیان مسیح را ضد موسی می دانند. مسیحیان حضرت زردشت را ضد مسیح می دانند. بودائیان حضرت زردشت را ضد بودا می دانند. و کل حضرت محمد را ضد جمیع می دانند و جمیع منکر حضرت باب و حضرت بهاء الله و حال آنکه این بزرگواران مبدئشان یکی است، حقیقت شریعتشان یکی است، مقصدشان یکی است، اساس تعالیشان یکی است و جمیع متحد و متفق اند، جمیع به یک خدا تبلیغ کردند و جمیع شریعت یک خدا را ترویج کردند. مثلاً حضرت زردشت پیغمبری بود بر مذاق حضرت مسیح تماماً و هیچ تفاوتی در بین تعالیشان نیست و همچنین تعالیم بودا ابداً مخالفت با تعالیم حضرت مسیح ندارد و همچنین سایر انبیاء. این نفوس مبدئشان یکی بود، مقصدشان یکی بود شریعتشان یکی بود، تعالیشان یکی بود، ولکن یا اسفا

<sup>۱</sup> Ford Hall

<sup>۲</sup> خطابه در کنگره انجمن آزادی ادیان در تالار ( فورد هال ) بستن ۲۴ می ۱۹۱۲ عصر ) ۷ جمادی

الآخر ۱۳۳۰

که بعد از آن تقلیدی در میان آمد و آن تقلید سبب اختلاف شد. زیرا این تقلید حقیقت نبود اوهام بود و بکلی مخالف شریعت مسیح و بر ضدّ تعالیم و نوامیس الهی و چون مخالف بود، سبب نزاع و جدال گشت. در حالتی که ادیان باید با یکدیگر نهایت الفت داشته باشند، نهایت اختلاف را پیدا کرده اند. عوض آنکه دلجوئی از همدیگر نمایند، به قتال برخاسته اند. عوض آنکه تعاون و تعاضد یکدیگر کنند، به محاربه با یکدیگر پرداختند. این است که عالم انسانی از بدایتش تا الآن راحت نیافته. همیشه بین ادیان نزاع و جدال بوده و جنگ و قتال بوده. اگر نظر به حقیقت آنها کنید، شب و روز گریه نمائید، زیرا امرالله را که اساس محبت است، اسباب مخالفت کرده اند. زیرا شریعت الله مانند علاج است و اگر در محلّ خود صرف شود سبب شفا است، ولکن یا اسفا که این علاجه در دست طبیب غیر حاذق بود. علاجی که سبب شفا گردد، سبب مرض شد. عوض آنکه سبب حیات باشد، سبب ممات شد. زیرا این علاج ها در دست طبیب غیر حاذق افتاد و طبیب غیرحاذق حیات نبخشد، علاجش ثمری حاصل نگردد، بلکه سبب ممات شود.

حضرت بهاء الله شصت سال پیش در ایران ظاهر شد و در آن مملکت، در میان ادیان و مذاهب و اجناس، نهایت بغض و عداوت حاصل بود، به درجه ای که رؤسای یکدیگر را سب و لعن می کردند و جمیع خون یکدیگر را می خوردند. حضرت بهاء الله اعلان وحدت عالم انسانی کرد و اعلان نمود که دین باید اسباب محبت و الفت شود و سبب حیات باشد. اگر دین سبب عداوت باشد، عدمش بهتر از وجود آنست. زیرا مقصد محبت بین بشر است از دین، چون عداوت بین بشر حاصل شود البته معدوم باشد بهتر است. همچنین حضرت بهاء الله اعلان نمود که باید دین مطابق علم باشد، زیرا علم حقیقت است و دین حقیقت است و ممکن نیست که در حقیقت اختلاف پیدا شود. و اگر مسئله ای از مسائل دینیّه مخالف عقل و علم باشد، آن وهم محض است، ابداً اساسی ندارد زیرا ضدّ علم جهل است، مخالف عقل نادانی است و این مثل آفتاب روشن است.

عالم بشر در ظلّ خداوند اکبر است، جمیع بندگان خدا هستند، جمیع در سایه شجر الهی راحت نموده اند. خدا کلّ را خلق کرده، جمیع را رزق می دهد، جمیع را تربیت می فرماید، جمیع را حفظ می نماید. مادامی که او به جمیع مهربان است، ما چرا نا مهربان باشیم؟ خدا جمیع بندگان را دوست می دارد، ما چرا بغض و دشمنی نمائیم؟ خدا با کلّ صلح است، ما چرا به جنگ و جدال مشغول شویم؟ خدا ما را برای محبت و اخوت خلق کرده، نه برای دشمنی. خدا ما را برای صلح و سلام خلق نموده نه جنگ و جدال. این چنین صفات رحمانی را چرا به صفات شیطانی تبدیل نمائیم؟ چنین نورانیت را چرا به ظلمت مقاومت کنیم؟ چنین محبت الهی را چرا با عداوت مقابله کنیم؟ شش هزار سال است که با

هم منازعه و مخاصمه می نمودیم، حال در این قرن نورانی باید محبت و دوستی به همدیگر نمائیم. امروز عداوت و بغضاء عظیم در بین ادیان است، آیا از اینها چه ثمری حاصل شده؟ چه فائده از برای بشر مرتب گردیده آیا این کفایت نیست؟

این عصر عصر نورانی است. این عصری است که از این اوهام باید آزاد گردیم. این عصری است که باید خصومت و بغضا محو شود. این عصری است که باید ادیان یک دین گردند، مذاهب متحد شوند و با محبت و خوشی با همدیگر الفت جویند. زیرا جمیع بنده یک خداوندیم، از یک رحمت عظمی بوجود آمده ایم، از یک شمس نورانی شده ایم، از یک روح حیات یافته ایم. نهایت این است یکی مریض است باید به نهایت مهربانی معالجه نمود؛ یکی جاهل است، باید تعلیم کرد؛ یکی طفل است، باید تربیت نمود. تأسیس اخوت آسمانی این ابرهای تاریک را پراکنده نماید. نباید کسی را مبعوض دانست، نباید کسی را تعرض کرد جمیع پدرانند، جمیع مادرانند، جمیع برادرانند، جمیع خواهرانند. اتحادی را که خداوند موجود نموده، ما نباید سبب انفصال آن گردیم. بنیانی را که خدا برای محبتش نهاده، خراب نکنیم. مقاومت اراده الهی نمائیم، پیروی سیاست الهیه کنیم و بموجب آن حرکت کنیم. البته سیاست الهی مافوق سیاست انسان است. زیرا هر قدر سیاست انسان ترقی نماید، کامل نیست، اما سیاست الهیه سیاست کامل است. ما باید از سیاست الهیه اقتباس کنیم. هر نوعی که خدا با بندگان خود معامله می کند، همان نوع رفتار نمائیم اقتدا به خدا کنیم ما مشاهده می کنیم آثار باهره او را ما مشاهده می کنیم حکمت او را، ما مشاهده می کنیم رحمت او را، ما مشاهده می کنیم قوت و قدرت او را باید دست از اوهمات و تقلید برداریم و تمسک به حق نمائیم و از اختلاف و افتراق اجتناب کنیم. معاذ الله هر گز انبیای الهی به این راضی نبودند. انبیای الهی جمیع یک روح بودند به جمیع بشر یک تعلیم دادند و تعلیمات انبیای الهی روح محض است، حقیقت محض است، محبت محض است، الفت محض است. پس ما باید متابعت انبیای الهی کنیم.

